

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

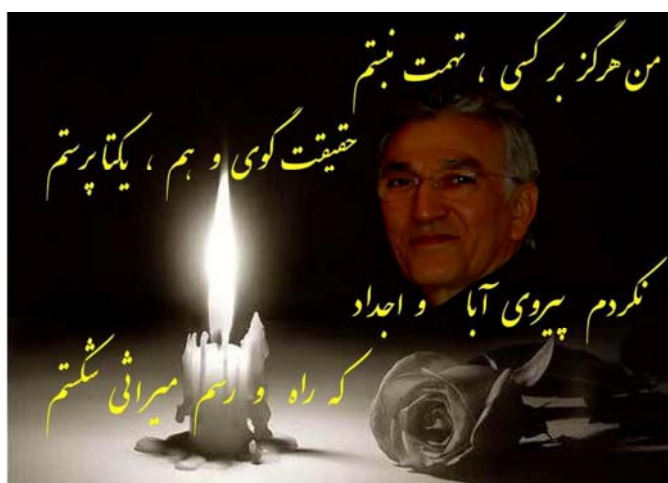
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۱ می ۲۰۲۱



زمان ملال

آری، به سر رسید، زمان ملال من
رسم وفا نبود، که با لحن تُند و تیز...
با حرف ناپسند و رکیک و سخیف و زشت
شاید، نئی شد ست، طلیگارِ حُسن تو
بی حُرمتی فزون شد و تصمیم، این چنین
با عشوه و کرشمه و با ناز و با ادا
آرایشِ غلیظ و نگاه های بس رقیق
دیگر نه با شمایل، رنگین و آذرین
ز اندم که رفتی از دل و فکر و خیال من
در نیمه شب تماس و به جنگ وجدال من
کردی حرام، آنچه که بودی، حلال من
از کهنه، دل بریده و گشتی مُحال من
هرگز ترا مباد، مجالِ وصال من
باشی اگر چه در پی، قتل و قتال من
آماج تیرِ غصه، فرستد به حال من
در آسمانِ برگه، نباشی هلال من

زمانِ ملال

آری، به سر رسید، زمانِ ملالِ من
زاندم که رفتی، از دل و فکر و خیالِ من
رسم وفا نبود که با سخن تُشد و تیسر
در نیمه شب تماش و به جنگ و جدالِ من
با حرفِ نپاسند و، رلیک و، نحیف و زشت
کردی حرام، آنچه که بودی، حلالِ من
شاید، نومی شدت، طلبگارِ حُسن تو
از کهنه، دل بریده و گشتی مُحالِ من
بی حرمتی فنزون شدو، تصمیم، این چنین
هرگز ترا مباد، مجالِ وصالِ من
با عثوه و، کرشمه و، بانازو، با ادا
باشی اگر چه در پی، قتل و قتالِ من
آرایشِ غلیظ و نگاه های بس رقیق
آماج تیسرِ غصه، فرستد به حالِ من
دیگر نه باشمایل، رکنین و، آذین
در آسمانِ برکه، نباشی هلالِ من